

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

تحقیق و رأی نهایی (نقد کلام مرحوم امام)

مرحوم امام قائل به اثبات تاثیر اعتقاد در شخصیت فعل بودند و نقد ایشان بر قائلین به نفی بیان شد.

نقد کلام مرحوم امام

به نظر ما کلام مرحوم امام از دو ناحیه مشکل دارد البته یک نقطه مثبت هم دارد.

اشکال اول: ایشان قبول کرد بر فعل خارجی عنوان هتک و ظلم صادق است ولی عنوان تجری صادق نیست. اشکال این است که بر چه اساسی می فرمایید: فعل خارجی مصداق هتک مولی و ظلم بر مولی است؛ اگر بگوئید چون به اعتقاد شرب خمر انجام شده است، می گوئیم جنبه نیت غیر از حیث فعل خارجی است؛ و اصلا بر چه پایه ای می فرمایید: تجری نیست حتما می گوئید تجری جرئت بر مولی است که با نیت نامقدس انجام شده است خوب این مطلب در هتک و ظلم هم است؛ لذا هر چه در تجری می فرمایید در هتک و ظلم هم باید بفرمائید.

اشکال دوم: قائل شدن به جواز اجتماع امر و نهی بر اساس تعدد عنوان اشکال دارد؛ به این بیان که بگوئید فعل خارجی چون دو عنوان دارد می تواند دو حکم و جوب و حرمت بگیرد، هم مقرب باشد هم مبعود، نا مصلحت و ذات مفسده باشد ولی این صحیح نخواهد بود؛ چون همانطور که بیان کردیم در ارزش یابی کار، کسر و انکسار صورت می پذیرد. اما نقطه مثبت فرمایش ایشان این است که می فرمایند: فعل خارجی مصداق تجری نیست.

ما در این بحث حق را به گروه اول می دهیم و می گوئیم فعل خارجی یک عنوان بیشتر ندارد و باور شخص در قیمت گذاری فعل اثر ندارد. منتهی روش ما با روش مرحوم آخوند و مرحوم نائینی فرق کرد. ایشان به وجدان تمسک کردند که گروه مقابل هم ادعای وجدان کردند؛ ولی ما تحلیل کردیم که در تجری چه مراحل رخ می دهد و کدام یک از این مراحل اصطلاحا و لغتا و عرفا مطابق تجری است که با این تحلیل به این نتیجه رسیدیم.

مقدمه هفتم

بررسی بنای عقلا در مورد تجری

مراد ما از ذکر بناء عقلاء این نیست که بناء عقلا دلیل پنجمی در کنار ادله اربعه باشد یا بگوئیم زبان عقلاء با زبان ما یکی است بلکه دو هدف از بیان بناء عقلاء داریم:

1. ما معتقدیم خیلی مواقع اگر انسان بناء عقلاء را بفهمد، در فهم نصوص تأثیر دارد؛ بعنوان مثال اگر بناء عقلاء بر استحقاق عقاب متجری باشد، ما سخت تر می توانیم بگوئیم شارع بنائی خلاف این دارد چون اگر بنائی خلاف بناء عقلاء داشت، باید با بیان محکم بیان می کرد. بیان محکم می خواهد چون قوت رادع باید درحد توان مردوع باشد. مثلا در تجری اگر بناء محکم و قرصی بین همه عقلاء وجود داشته باشد باید شارع برای ردع این بناء در چندین روایت در چندین مرحله این بناء را ردع کند تا بناء از ریشه از بین رود. ولی اگر چنین بناء محکمی نباشد نیاز به چنین ردعی هم نیاز ندارد.

در فقه و عرف نوشته ایم اگر بناء عقلاء به عقل بر گردد اعتبار آن ذاتی است مثل حجیت ظواهر و اگر به عقل هم بر نگردد بناء عقلاء در فهم نصوص اثر دارد.

2. در درس خارج باید مدیریت بحث داشت و با این کار می خواستیم بیان کنیم اگر دریک بحث عقلائی خواستید وارد شوید باید بدانید چطور وارد شوید چون این روایت مطرح نیست. لذا قبل از رفتن سراغ نصوص یک سری به عقلاء می زنیم و در

عقلاء بحث تجری در حقوق موضوعه بشری مطرح است.

بررسی تجری در عقلا

در دانش حقوق - یعنی حقوق موضوعه بشری - سه اصطلاح داریم که با تجری همسو است:

الف: شروع به جرم ب: جرم عقیم ج: جرم محال.

- شروع به جرم: مراد از شروع به جرم این است که کسی به مقدمات قریبه ی جرم اقدام کند که البته خود آن مقدمات، جرم مستقلی نباشد و جرم بخاطر عاملی در نهایت محقق نشود البته نه هر عاملی والا با جرم عقیم و جرم محال خلط می شود.

آقای لنگرودی از حقوق دانان ما می باشند. ایشان در کتابشان واژه های حقوقی و فقهی را بررسی کرده است - کار مثبت ایشان این است که در یک واژه عناصری که باید باشد و عناصری که نباید باشد را بیان می کند - ایشان می فرماید: در شروع جرم چهار عنصر لازم است 1. ارتکاب عمل مادی - یعنی تصور و تصدیق و نیت کفایت نمی کند - 2. عمل مذکور از مقدمات فعل باشد 3. شروع به جرم عنوان آن جرم را نداشته باشد 4. مانع خارجی سبب شود که او کاری که شروع کرده است را رها کند.

- جرم عقیم: جرمی که تمام عناصر جرم را دارد - عناصر مادی و عناصر روانی معنوی - ولی به نتیجه مطلوب نرسیده است. مثلا قاتلی تیری را رها می کند و تیر بجای برخورد به قلب شخص به دیوار می خورد.

الحمد لله رب العالمین